

زمان پریشی آشنازدا در داستان حضرت آدم علیه السلام در قرآن کریم

مریم بخشی^۱، علی باقر طاهرینیا^۲

۱- استادیار دانشگاه شهید مدنی آذربایجان m.bakshshi8@gmail.com

۲- استاد دانشگاه تهران

چکیده

تمایز بین زمان داستان و زمان روایت در سه مبحث عمده نظم، تداوم و بسامد تقسیم می‌کند. مبحث نظم یا زمان پریشی که موضوع بحث حاضر است در داستان حضرت آدم علیه السلام که در هفت سوره از قرآن (سوره بقره، اعراف، حجر، کهف، اسراء، طه، ص) روایت شده است، مورد بررسی قرار گرفته است. هدف از این مقاله، بررسی بعد دیگری از اسرار اعجاز ادبی و هنری قرآن کریم براساس روش توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

نمود طبیعی هر حرکت زمانی در هر عمل روایی بدین گونه است که از گذشته شروع شده و سپس حال و در نهایت در آینده جریان داشته باشد. اما اقتضای روایت خواستار تغییر و تبادل در موقعیت‌های زمانی می‌گردد؛ از این رو زمان حال، به عنوان آشنازدایی زمانی، گاهی به جای گذشته، و زمان آینده به جای زمان حال می‌آید و گاهی برای بیان حتمیت وقوع فعل، گذشته به جای آینده به کار می‌رود. زیبایی زمانی روایت نیز در شکست و ترکیب و ساخت دوباره زمان روایت است. چینش‌های زمانی خاصی که در روایت انجام می‌گیرد، هر کدام دارای دلالت و کارکرد خاص خود و زیبایی بی‌نظیر هستند. بر همین اساس زمانی که این زمان شناخته شده، به شکلی ناشناخته با ذهن مخاطب درآید، در ساخت و شکلی جدید خود را بیشتر می‌نمایاند و نگاه مخاطب را بیشتر به خود می‌کشاند. پس از این که زمان شکسته شد، اجزای آن در ترکیبی جدید کنار هم چیده می‌شود و این چینش دوباره، اهداف روائی و معنایی نویسنده را برآورده ساخته، دارای کارکرد دلالتی می‌گردد.

مقصود از «ترتیب»، «ترتیب زمانی رخدادهای داستان نسبت به ارائه همین رخدادها در گفتمان روایی است.» (لوته ۱۳۸۸: ۷۲) و به دو نوع کلی گذشته نگر و آینده نگر تقسیم می‌شود

که دو شگرد زمانی آشنازدا هستند که نویسنده برحسب موقعیت و براساس توانمندی خود از آن در پربار کردن روایتش سود می‌جوید. مخاطب هم برای درک روایت و دلالت‌های آن و برای پی بردن به توانمندی‌های نویسنده و قابلیت متن، به بررسی آن‌ها نیازمند است.

زمان پریشی گذشته نگر

در این نوع زمان پریشی، رویدادهایی هستند که در داستان زودتر اتفاق افتاده‌اند، اما در متن، دیرتر از زمان طبیعی خود روایت می‌شوند. (لوتی، ۱۳۸۸: ۷۲) گذشته نگرها سه گونه‌اند: گذشته نگر بیرونی، گذشته نگر درونی و گذشته نگر مختلط (مرکب).

زمان پریشی آینده نگر

در این نوع زمان پریشی، داستان با نوعی پرش، به آینده می‌رود و حوادث آینده را پیش بینی می‌کند. (ژنت، ۱۹۸۰: ۴۰) و حوادثی را که هنوز رخ نداده‌اند، روایت می‌کند؛ نوع دیگری از آینده نگر وجود دارد که در آن ترتیب حوادث بهم نمی‌خورد؛ بلکه با حفظ ترتیب، حوادث آینده‌ای که رخ نداده، پیش بینی می‌شود. آینده نگر را نیز می‌توان به آینده نگر درونی و آینده نگر بیرونی تقسیم کرد

ترتیب زمانی در داستان حضرت آدم عليه السلام

(وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ * وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ) (حجر: ۲۶-۲۷)؛ این برش از روایت، با بیان آفرینش انسان از گل آغاز شده که نسبت به بازه‌ی زمانی مقطع حاضر، آینده نگر درون داستانی است؛ به بیان روشن تر، داستان با بیان تصمیم خداوند مبنی بر آفرینش انسان از گل آغاز شده است، اما روایت با روایت انجام این عمل (آفرینش) آغاز می‌گردد؛ بنابراین پرش به زمانی جلوتر و آینده نگری درون داستانی رخ داده است. جمله دوم تصویری از گذشته نگر برون داستانی است که بیان گر آفرینش شیطان از آتش می‌باشد.

اما نکته زیباتر چینش این دو حادثه متناسب در کنار هم و ترکیب آینده نگر درون داستانی و گذشته نگر برون داستانی می‌باشد که با ترتیب زمانی معکوس و به صورت ضربدری و به طرز

هنری روایت شده است.

زمان اصلی این داستان آینده است، آینده‌هایی که هر روز و هر لحظه اتفاق می‌افتند، آینده‌های بی‌انتهای و روایت آینده‌هایی که هنوز اتفاق نیوفتاده‌اند، آینده نگر آشنایی زدا هستند؛ جمله‌های (... إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ)، (لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ) (اعراف: ۱۶)، (ثُمَّ لَآتِيَنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ) (اعراف: ۱۷)، (لَأَحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا) (إسراء: ۱۶۲)، (لَأُرِيَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَآلَاءَ عَيْنِيهِمْ أَجْمَعِينَ) (حجر: ۳۹) که از آینده نگر درون داستانی آغاز و تا آینده برون داستانی ادامه دارد و آینده نگر استمراری هستند، همه به این مفهوم است که وسوسه شیطان تا روز قیامت ادامه خواهد داشت. خبر از آینده، آن هم آینده‌ای ماورائی، جزء زیبایی‌ها و آشنایی زدهای این روایت می‌باشد. این زمان از آن رو ماورائی است که جز زمان زمین نیست، و به عالم متافیزیکی تعلق دارد که قابل درک برای افراد بشر نیست.

نتیجه‌گیری

کارکردهای تکنیک گذشته نگر در این روایت، عبارتند از: بیدارگری مخاطب، تعمیق مفهوم، غافلگیری مخاطب، کشف عناصر فکری و روحی شخصیت، ارائه اطلاعات، یادآوری، تغییر دلالت برخی از حوادث گذشته، آماده سازی مخاطب برای ادامه داستان و درک بهتر، زیبایی هنری. کارکردهای آینده نگر عبارتند از: تصویرسازی آینده و پیش بینی حوادث آن، انتقال پیام اصلی داستان و نوید آمدن هدایت از جانب خدا یا ارسال رسل، بیان جنبه‌های ناپیدای روایت، غافلگیری مخاطب.

از زیبایی‌های این دو تکنیک، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تلفیق گذشته نگر با هنر بسامد (گذشته نگر بسامدگرا) و تلفیق آینده نگر با هنر بسامد (آینده نگر بسامدگرا)، چینش آینده نگر درون داستانی با گذشته نگر برون داستانی با ترتیب زمانی معکوس و به صورت ضربدری، ترکیب سه تکنیک زمانی گذشته نگر، بسامد و درنگ، چینش گذشته نگر درون داستانی و گذشته نگر برون داستانی در کنار هم، پیوند بین زمان حال و آینده، استفاده از آینده نگر ممتد و بدون پایان (آینده نگر استمراری)، آینده نگر ماورائی.